

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: یک هوادار

۱۷.۰۷.۱۰

بحران نظام سرمایه داری جهانی، فقر بیشتر برای زحمتکشان و ثروت برای سرمایه داران

افزایش فاصله طبقاتی در المان

فاصله میان فقیران و ثروتمندان در جامعه المان افزایش میابد. قشرهای میانی در این کشور به تدریج کم و کمتر می‌شوند. جامعه‌شناسان و اقتصاددانان خواستار توقف این فرایند هستند و به عواقب خطرناک آن می‌پردازند.

تظاهرات خشونت‌آمیز در شهرهای المان افزایش یافته‌اند. در مراسم اول ماه مه سال جاری جوانان نقاب‌بسته در شهر هامبورگ دو روز تمام با بستن سنگر در خیابان‌های شهر و پرتاب سنگ، شیشه‌های بسیاری از فروشگاه‌ها و بانک‌های این شهر را شکستند و به وسایل عمومی آسیب رساندند. سخنگویان پلیس و روانشناسان اجتماعی از گردشگران خشونت‌طلب و آمادگی جوانان المانی برای شورش و دست زدن به اقدامات خشونت‌آمیز سخن گفتند. محققان جامعه‌شناس اما این اقدامات را هشدار می‌دانند به مقامات سیاسی این کشور؛ هشدار می‌دهند که حامل پیامی بود با این محتوا: اگر جامعه المان فاصله افزایش‌یافته میان فقراء و ثروتمندان را کاهش ندهد، شورش و دست‌یازی به خشونت ادامه خواهد داشت.

پژوهش انستیتوی المانی تحقیقات اقتصادی

انستیتوی المانی تحقیقات اقتصادی (DIW) اواسط ماه جون سال ۲۰۱۰ بار دیگر بر بحث‌ها در مورد قشرهای میانی در جامعه المان دامن زد. نتایج تحقیقی طولانی از طرف این انستیتو نشان داد که جامعه المان در دهه اول هزاره سوم با جابه‌جایی‌هایی در قشرهای اجتماعی خود روبرو شده و در این جابه‌جایی شمار اعضای طبقات پائینی و بالایی در جامعه افزایش یافته است. اگر در سال ۲۰۰۰ میلادی تنها ۱۸ درصد شهروندان المانی به قشرهای پائینی جامعه تعلق داشتند، در سال ۲۰۰۹ شمار این افراد به ۲۲ درصد افزایش یافت. در مقابل شمار قشرهای بالایی اجتماع المان در همین مدت از ۱۶ درصد به ۱۹ درصد رسید.

اعضای قشرهای متوسط در آلمان از کمک‌های دولتی استفاده نمی‌کنند، کمک‌های دولتی برای برنامه‌های هنری، ورزشی و تفریحی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود، کمک‌های مالی دولتی برای خرید خانه چندین سال پیش قطع شد، کرایه‌ها به شدت افزایش می‌یابند، بیمه‌های درمانی افزایش یافته‌اند و همه اینها در حالی است که حقوق‌ها نسبت به مخارج موجود افزایش نمی‌یابند.

یان گوبل، یکی از اعضای گروه تحقیق انستیتوی المانی تحقیقات اقتصادی (DIW) در این باره می‌گوید: «این شکاف اجتماعی، در درآمد افراد این دو گروه اجتماعی نیز دیده می‌شود. درآمد افراد قشرهای پائینی جامعه به تدریج کمتر و درآمد افراد قشرهای بالایی باز هم بیشتر شده است. این فرایند از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بالارونده بوده و به تدریج افزایش یافته است.»

اعضای قشرهای میانی

انستیتوی المانی تحقیقات اقتصادی دو عدد را برای وابستگی شهروندان در این جایگاه اجتماعی قرار داده است. کسی که حقوق ماهانه‌اش میان ۷۰ تا ۱۵۰ درصد درآمد خالص متوسط یک خانوار است، در این قشر جای می‌گیرد. این میزان در سال ۲۰۰۹ میلادی برای افراد مجرد ماهانه برابر ۱۱۰۰ تا ۲۳۰۰ یورو و برای خانواده‌ای شامل زن، شوهر و دو کودک درآمدی میان ۲۳۰۰ تا ۴۹۰۰ یورو در ماه تعیین شده است. البته کسی که در آلمان در قشر متوسط جامعه جای می‌گیرد، مشکل گرسنگی ندارد و زندگی آرامی را می‌گذراند. او در بهترین حالت خانهای شخصی دارد، اتوموبیل دومی هم خریده و می‌تواند یکی دو بار در سال به همراه خانواده‌اش به مرخصی برود.

عامل‌های پراهمیت

از مهمترین عامل‌هایی که در فرایند جدائی قشرهای اجتماعی و سقوط اعضای قشر متوسط به پائین جامعه آلمان سهیم‌اند، جهانی شدن اقتصاد، پیشرفت در عرصه فناوری و شرایط مسلط بر بازار کار هستند. با پیشرفت راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل کالاها، رقابت‌ها در عرصه جهانی افزایش چشم‌گیری یافته‌اند. برای مقابله با این افزایش رقابت جهانی، کارفرمایان المانی سعی می‌کنند تا کالاهای خود را با کیفیتی بالاتر و نرخ فروش پائین عرضه کنند. آنها به همین جهت برای کم هزینه‌تر کردن کالاهایشان بخش‌هایی از تولیدهای خود را به کشورهای منتقل کرده‌اند که در آنها حقوق کارگران بسیار نازل است. و همین امر سبب شده است که بسیاری از کارگران المانی بیکار شوند.

پیشرفت در فناوری و اتوماسیون هم به بیکاری هر چه بیشتر کارگران المانی منجر شده است. در این راستا اصلاح نظام قانون کار در آلمان نیز از دوران صدر اعظمی گرهارد شرودر، فرایند کاهش اعضای قشرهای میانی جامعه و سقوط آنها را به قشرهای پائینی شدت بخشیده است.

سرعت بالای جدائی قشرها در اروپا

اما آنچه انستیتوی المانی تحقیقات اقتصادی بیان نمی‌کند، این نکته است که فرایند جدائی قشرهای اجتماعی در بسیاری از کشورهای اروپا دیده می‌شود و این فرایند در این کشورها شدتی به مراتب بیشتر از آلمان دارد. تحقیقات نشانگر آن هستند که تا سال ۲۰۰۵ فرایند سقوط اعضای قشرهای میانی در آلمان به گروه‌های فقیر پائینی به نسبت دیگر کشورهای اروپائی کمتر از حد متوسط بوده است. اما آنچه در مورد جامعه آلمان نگران‌کننده است، به نظر رودولف هیکل، اقتصاددان دانشگاه برمن آلمان، سرعت این فرایند در آلمان است. مؤسسه بزرگ و معتبر

"مکینزی" حتماً اعلام کرده است که تا سال ۲۰۲۰ میلادی امکان انتقال ۲۰ میلیون المانی از قشرهای متوسط به پائین جامعه وجود دارد.

برخوردها با این فرایند

آمارهای منتشرشده ترس از بیکاری را در دل بسیاری از کارمندان المانی افزایش داده است. همین عامل سبب شده که بسیاری با تخصص‌های بالا به خاطر از دست ندادن شغل خود حاضر به انجام کارهایی باشند که به هیچ وجه در حد تخصص‌شان نیست. آنها زمانی بیشتر از حد لازم تعیین‌شده را برای کارفرماها کار می‌کنند و از اضافه حقوق‌شان نیز می‌گذرند.

کارفرمایان برای استفاده بیشتر از کارمندان شیوه استخدام دائم را به تدریج می‌کاهند و با استخدام موقت این ترس را در دل کارمندان می‌پرورند که احتمال پایان یافتن دوران کاری‌شان همواره وجود دارد. بر مبنای آمار اداره کاربایی المان، شمار قراردادهای کاری با استخدام موقت در سال ۲۰۰۸ میلادی ۷ / ۲ میلیون نفر بوده‌اند. این مقدار ۴۴ درصد بیشتر از آمار منتشرشده در همین مورد در ده سال قبل از این آمار است.

واکنش‌ها

رودولف هیکل، اقتصاددان دانشگاه برمن المان، بر این نظر است که بسیاری از کسانی که با از دست دادن جایگاه خود به قشرهای پائینی غلتیده‌اند، به دنبال مقصر می‌گردند و گناه را به گردن گروه‌هایی می‌اندازند که نمی‌توانند از خود دفاع کنند. بی‌سبب نیست که خارجی‌ستیزی اکنون یکی از مشکلات عمده قشرهای پائینی جامعه المان شده است. هیکل می‌گوید:

«پس از جنگ جهانی دوم فرایند دمکراتیزه شدن جامعه همراه بود با بهتر شدن وضعیت شهروندان. اکنون همین شهروندان شرایط به دست آورده خود را به تدریج از دست می‌دهند و فعالیت‌های غیردمکراتیک افزایش یافته است. ترس از بیکاری و سقوط به قشرهای پائینی به پرخاش علیه سیستم سیاسی و اقتصادی موجود نیز منجر شده است». بسیاری از مادر و پدرهای وابسته به قشرهای متوسط اجتماعی فقط نگران شرایط خود نیستند، آنها نگران آن‌اند که با ادامه این شرایط آینده کودکان‌شان به خطر می‌افتد. شرایط رقابتی شدیدی که بر مدارس و دانشگاه‌های المان حکمفرما شده، بخت کودکان قشرهای متوسط را به شدت به خطر انداخته‌اند. آنها می‌پندارند که آینده‌ای موفق برای کودکان‌شان دست‌نیافتنی است و امکان سقوط آنها به قشرهای پائین‌تر اجتماع وجود دارد.

تحقیقات چندین دانشمند دانشگاه گوتینگن المان قبل و بعد از انتخابات مجلس ایالتی در ایالت غربی "نوردراین وستفالن" المان نشانگر آن است که اعضای قشرهای متوسط در المان دیگر اطمینانی به سیاست و سیاستمداران این کشور ندارند. علاقه قشرهای متوسط این کشور از سیاست و احزاب سیاسی به شدت کاهش یافته است.

خطر سقوط در شرق المان

پرفسور گرت واگنر، استاد دانشگاه آزاد برلین که به همراه همکارش یورگن شوپ رهبری تحقیقاتی را در همین مورد به عهده داشت، پس از پایان تحقیقات اعلام کرد که از دست‌دادن موقعیت شغلی، نداشتن آینده‌ای ارضاءکننده و احساس تعلق به قشرهای پائینی جامعه بیشتر در بخش شرقی المان دیده می‌شود تا در غرب این کشور. اگر در غرب المان تنها یک دهم شهروندان خود را از قشرهای پائینی جامعه می‌دانند، این میزان در بخش شرقی این کشور یک پنجم مردم را دربرمی‌گیرد. پرفسور گرت واگنر در این مورد می‌گوید، این ارقام نشانگر آن است که المانی‌ها و به خصوص شهروندان شرق این کشور نگران سقوط به قشرهای پائینی اجتماع و درگیری با فقر هستند.